

مقدمه

آیه «إِثْمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» فرهنگ اخوت و برادری ایمانی را در جامعه اسلامی پی‌ریزی کرد و پیوندی عمیق با محوریت ایمان در میان آنان را پدید آورد. این پیوند با سخنان پیشوایان معصوم علیهم‌السلام از قبیل «المؤمن أخو المؤمن» و «المسلم أخو المسلم» تأکیدی مضاعف یافت.

روشن است که این پیوند، پیوندی صوری و تشریفاتی نیست، بلکه پیوندی عمیق و رابطه‌ای مسئولیت‌آفرین است و بایسته است مسلمانان در جامعه خود، به این بخش از مسئولیت خویش آشنا گردند و در تعامل با همدیگر، رفتاری مسئولانه در پیش گیرند. افسوس که نه عموم مردم، اولویت و ضرورت این اصل حیاتی را درک کرده و نه اندیشمندان و صاحب‌نظران برای احیا و اجرای آن کوششی جدی داشته‌اند.

در این جستار که از مؤلفه‌های اخوت ایمانی، عوامل و شیوه‌های تحکیم برادری، آسیب‌شناسی، حقوق و وظایف متقابل برادری در جامعه ایمانی گفت‌وگو می‌شود، گامی برای به تصویر کشاندن چهره اخوت ایمانی و تبیین مسئولیتهای چندسویه افراد در جامعه اسلامی است.

مفهوم‌شناسی اخوت

«اخوت» در لغت، پیوندی است که دو یا چند چیز را به هم مرتبط می‌سازد؛ از این رو، به ریسمانی که وسط آن به زمین، محکم شده و دو سر آن به شاخ یا پای دو حیوان بسته شده باشد، «أخیی» می‌گویند و نیز کسی که دو شیء را در امری، مشترک و نقطه‌ای خاص، همانند می‌سازد، می‌گوید: «أخیتُ بین الشیئین»^۱.

این دو نقطه مشترک که دو یا چند چیز را به هم پیوند می‌دهد، ممکن است پدر یا مادر باشد که از آن به «اخوت تنی» تعبیر می‌شود و یا ممکن است شیر مادر باشد که آن را «اخوت رضاعی» می‌خوانند، همچنان که ممکن است این نقطه مشترک، اشتراک در قبیله، دوستی، شرکت، ایمان و... باشد که آنها را به ترتیب «أخو

اخوت ایمانی در آموزه‌های اسلامی

- رضا وطن‌دوست^۱
- پژوهشگر و نویسنده

چکیده

جامعه بشری از همگراییها و پیوندهایی متنوع برخوردار است که در این میان، پیوند «برادری و اخوت» در جامعه ایمانی استوارترین آنهاست. این پیوند که از ایمان سرچشمه می‌گیرد و در سطوح مختلف زندگی گسترش می‌یابد، در قرآن و به دنبال آن، در سیره پیشوایان دین، نمودی ویژه یافته است؛ از این رو، برای استوارسازی روابط اجتماعی بر پایه ایمان و تحقق پیوند برادری و اخوت، راههایی کارآمد ارائه گردیده است.

این جستار که با هدف بررسی و بازگویی این راهها نگاشته شده است، پس از بیان کاربرد اخوت در قرآن و ذکر مؤلفه‌های آن، به بیان شیوه‌های تحکیم برادری و اخوت و آسیب‌های آن می‌پردازد و سرانجام، مهم‌ترین وظایف و حقوق متقابل برادری در جامعه ایمانی را یادآور می‌شود. کلید واژگان: اخوت، پیوند برادری، جامعه ایمانی، روابط اجتماعی، قرآن، سنت.

القبیلی»، «أخو الصداقی»، «أخو الشرکی» و «أخو الإیمان» می خوانند.^۱
بی گمان، استوارترین پیوندها پیوند «برادری ایمانی» است؛ زیرا در این پیوند، راهی یگانه و هدفی واحد وجود دارد که همه در سایه ایمان به آن هدف، ره می سپارند چنان که در تفسیر تبیان آمده است: «أصل الأخ، أن الأخ مقصده مقصد أخیه».^۲

کاربردهای قرآنی اخوت

قرآن کریم مفهوم اخوت را در چندین مورد به معنایی که یاد شد، به کار برده است: ۱. برادری تنی، اعم از آنکه از طرف پدر و مادر باشد،^۳ یا تنها از طرف پدر،^۴ یا مادر؛^۵ ۲. برادری رضاعی؛^۶ ۳. همراهی؛^۷ ۴. خویشاوندی؛^۸ ۵. شهروندی؛^۹ ۶. اخوت ایمانی؛^{۱۰} ۷. اخوت شیطانی.

توضیح آنکه اگر انسانها در نقطه‌ای کور و دور از معنویت، مشترک باشند و پیوندی خلاف دین و دینداری را دارا باشند، از آن به «اخوت شیطانی» تعبیر می‌شود. کافران،^{۱۱} مشرکان،^{۱۲} منافقان^{۱۳} و دامن‌زنندگان به تباهیها^{۱۴} از کسانی‌اند که قرآن آنان را «برادر شیطان» خوانده است.

۱. احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ص ۳؛ محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحیط، ص ۱۱۳۳؛ ابراهیم انیس و همکاران، المعجم الوسیط، ص ۹.
۲. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ص ۱۴، ص ۲۲.
۳. ر.ک: مانده / ۳۰؛ اعراف / ۱۴۲.
۴. ر.ک: یوسف / ۵۸.
۵. ر.ک: نساء / ۱۲.
۶. ر.ک: نساء / ۲۳.
۷. ر.ک: ص / ۲۲.
۸. ر.ک: اعراف / ۶۵؛ هود / ۵۰؛ نمل / ۴۵؛ عنکبوت / ۳۶.
۹. ر.ک: شعراء / ۱۶۱.
۱۰. ر.ک: حجرات / ۱۰؛ آل عمران / ۱۰۳.
۱۱. ر.ک: آل عمران / ۱۵۶.
۱۲. ر.ک: اعراف / ۲۰۲.
۱۳. ر.ک: آل عمران / ۱۶۷؛ احزاب / ۱۸.
۱۴. ر.ک: اسراء / ۲۷.

یادآوری می‌شود که در قرآن، واژگانی مانند خلیل،^۱ صدیق،^۲ حبیب،^۳ رفیق^۴ و قرین^۵ وجود دارد که برنوعی دوستی، رفاقت و همنشینی دلالت دارد که بنا به موضوع این جستار، صرفاً برادری ایمانی را بررسی می‌کنیم.

مؤلفه‌های برادری ایمانی

برادری و اخوت ایمانی که تجلی جامعه‌ای برتر و آرمانی است، عناصر و مؤلفه‌هایی ویژه دارد که جامعه ایمانی را از هر جامعه دیگری، متمایز و ممتاز می‌سازد.

۱. ایمان

یکی از مؤلفه‌های اخوت، ایمان است. تا ایمان در دل آدمی ریشه نگیرد، میوه شیرین اخوت، به ثمر نمی‌نشیند؛ چراکه ایمان دلها را به یکدیگر مهربان می‌کند و بذر دوستی و عشق به یکدیگر را در دلها می‌افشاند و جامعه ایمانی را بر هدف واحد و مشترک گرد می‌آورد؛ چون ایمان نوری است روشنی‌بخش که هم هدف را روشن می‌سازد و هم راه را و هرگاه راه و هدف، هر دو، روشن گردد، تمامی اهل ایمان تنها همان راه را در پیش می‌گیرند و در شعاع نور ایمان تنها به سوی همان هدف ره می‌سپارند. در حالی که بی‌ایمانی، نوعی تاریکی و ظلمت است؛ در ظلمت نه هدف معلوم است و نه راه روشن و بسیار مبرهن و آشکار است که نتیجه این ظلمت، چیزی جز بیراهگی و پراکندگی نیست: «تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقَلُوبُهُمْ شَتَّى».^۶
قرآن این حقیقت را روشن می‌کند که ایمان مایه وحدت است و بی‌ایمانی، پراکندگی را در پی دارد. در نگاه قرآن، پراکندگی و نابرداری، ویژه دوره پیش از پذیرش ایمان است، ولی همزمان با راه یافتن ایمان در دلها، قبیله‌گرایی رنگ

۱. ر.ک: بقره / ۲۵۴؛ نساء / ۱۲۵؛ اسراء / ۷۳؛ فرقان / ۲۸؛ زخرف / ۶۷.
۲. ر.ک: نور / ۶۱؛ شعراء / ۱۰۱.
۳. ر.ک: مانده / ۱۸.
۴. ر.ک: نساء / ۶۹.
۵. ر.ک: صافات / ۵۱؛ زخرف / ۳۸؛ ق / ۲۳ و ۲۷.
۶. حشر / ۱۴.

می‌بازد و اختلاف و نابرداری، جایش را به یگانگی و برادری می‌دهد: ﴿و اذکروا نعمت الله علیکم إذ کنتم أعداءاً فألّف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخواناً﴾^۱

۲. همگرایی

در مفهوم اخوت ایمانی این حقیقت نهفته است که اهل ایمان نه تنها مانند دیگر انسانها در زندگی اجتماعی خود، فعالیت‌های مشترک دارند، بلکه از تعاملی سالم و همگرایی‌ای بایسته نیز برخوردارند؛ زیرا اخوت ایمانی که میان جامعه ایمانمدار رابطه‌ای ژرف برقرار می‌سازد، از دل‌بستگی روحی و همگرایی معنوی حکایت می‌کند که بی‌گمان، از روح حاکم بر قوم و قبیله‌گرایی برتر است.

همین روح همگرایی ممکن است از افراد پراکنده جامعه‌ای واحد و استوار بسازد؛ هرچند به لحاظ مکان و زمان از هم دور و از نظر نژاد و زبان بیگانه باشند. جامعه‌ای شکل گرفته از سلمان ایرانی، بلال حبشی، غلام یمنی، صُهب رومی، ابوذر غفاری، اویس قرنی و دیگران، نمونه‌ای از این همگرایی است. همچنین افراد به دلیل دل‌بستگی معنوی برای پیوستن به دیگر برادران ایمانی، رابطه خود را با هر کس دیگری می‌گسلند؛ هرچند رابطه آنان، رابطه پدر فرزندی و خویشاوندی باشد: ﴿لاتجد قوماً یؤمنون بالله و الیوم الآخر یوادون من حادّ الله و رسوله و لو کانوا آبائهم أو أبنائهم أو إخوانهم أو عشیرتهم﴾^۲

قرآن کریم نیز به دلیل همگرایی در جامعه ایمانی، هر نوع کناره‌گیری و عزلت‌نشینی را نادرست و ناپسند می‌داند و با ارائه راهکارهایی مؤثر از همگان خواسته است تا فعالانه در جامعه حضور یابند و در ساختن جامعه‌ای ممتاز از هیچ کوششی دریغ نورزند؛ از این رو، قرآن به منظور تحکیم همگرایی در یک جامعه ایمانی، راهکارهایی را ارائه کرده است، از قبیل: ﴿صابروا و رابطوا﴾^۳؛ ﴿أنفقوا فی

۱. «نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که دشمن [یکدیگر] بودید، میان دلهای شما الفت انداخت تا به لطف او، برادران هم شوید» (آل عمران/ ۱۰۳).

۲. «نمی‌یابی قومی را که به خداوند و روز بازپسین ایمان می‌آورند با کسانی که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند، هرچند پدرانشان یا پسران و خویشاوندان آنها باشند، دوستی کنند» (مجادله/ ۲۲).

۳. «ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید» (آل عمران/ ۲۰۰).

سبیل الله»^۱؛ ﴿إنّما المؤمنون إخوة فأصلحوا بین أخویکم﴾^۲؛ «أمرهم شوری بینهم»^۳؛ ﴿ولتکن منکم أمة یدعون إلى الخیر و یأمرون بالمعروف...﴾^۴ و....

۳. دوستی و مواسات

از دیگر مؤلفه‌های اخوت ایمانی، دوستی مسلمانان و مواسات اهل ایمان یا یکدیگر است؛ زیرا به استناد آیه ﴿رحماء بینهم﴾^۵ دوستی و مهرورزی به دیگران از ویژگی‌های اهل ایمان است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: لازمه این مهرورزی، دوستی و مواسات در میان اهل ایمان است.^۶

ایشان در جای دیگر می‌فرماید:

إنّ من حقّ المؤمن علی المؤمن المودّی له فی صدره و المواسای له فی ماله؛^۷ از جمله حق مؤمن بر مؤمن، دوستی درونی و مواسات مالی است.

پیشوایان ما در تأکید بر ضرورت دوستی و مواسات در میان مسلمانان، گاه مواسات را نشانه کمال ایمان افراد می‌دانند^۸ و گاه کوتاهی در مواسات را نشانه بیرون شدن از ولایت خدا،^۹ خیانت به رسول او و جامعه ایمانی معرفی کرده‌اند.^{۱۰} پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

ما آمن بی من بات شعبان و أخوه المسلم طویاً؛^{۱۱} به من ایمان نیاورده است، کسی که شب را با شکم سیر بخوابد، در حالی که برادر مسلمانش گرسنه است.

۱. «در راه خدا اتفاق کنید» (بقره/ ۱۹۵).

۲. «مؤمنان برادر همدیگرند، پس میان برادرانتان سازش دهید» (حجرات/ ۱۰).

۳. «در میانشان مشورت است» (شوری/ ۳۸).

۴. «و باید که از میان شما گروهی به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند...» (آل عمران/ ۱۰۴).

۵. فتح/ ۲۹.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۷۵.

۷. همان، ص ۱۷۱.

۸. همان، ص ۱۴۷.

۹. همان، ص ۳۶۶.

۱۰. همان، ص ۳۶۲؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۲.

۱۱. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۲۶۴.

بدین سان روشن است، برادری ایمانی ایجاب می‌کند که مؤمنان همدیگر را دوست بدارند^۱ و در تکافل اجتماعی کوتاهی نکنند و در این باره، مسلمانان صدر اسلام را الگوی خویش قرار دهند که چگونه انصار، مهاجران را در اموال خود شریک ساختند.^۲

۴. وحدت و انسجام

هر چند انسان موجودی اجتماعی است، اجتماعی بودن او بدین معنا نیست که انسانها بی هیچ پیوند فکری و معنوی، در کنار هم و در یک منطقه زندگی کنند؛ زیرا اگر معنای زندگی اجتماعی و تشکیل جامعه این گونه باشد، باید درختان یک باغ و حیوانات یک بیشه یا مزرعه را برخوردار از نوعی زندگی اجتماعی همانند زندگی انسان بدانیم، در حالی که نه درختان و نه حیوانات، زندگی اجتماعی نداشته و جامعه‌ای را شکل نمی‌دهند.^۳

بیان درست در ترسیم زندگی اجتماعی و جامعه، آن است که بگوییم جامعه دارای مفهومی تشکیکی است و به لحاظ پیوندهای جاری در آن، شکل پلکانی دارد. نخستین و ساده‌ترین معنای آن، این است که هر کسی در برابر خدماتی که از خود ارائه می‌دهد، نیازمندیهای خود را از خدمات و دسترنج دیگران تأمین می‌کند و جامعه در کامل‌ترین جلوه‌های جامعه و زندگی اجتماعی، در برادری ایمانی تجلی می‌یابد؛ زیرا با اخوت ایمانی، جامعه‌ای منسجم شکل می‌گیرد که فرد فرد آن به مانند پیکری واحد درمی‌آیند و این نیست جز آنکه جامعه ایمانی در عین کثرت، از وحدت و انسجام ویژه‌ای برخوردار است، چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

المؤمن أخو المؤمن كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده؛^۴ مؤمن برادر مؤمن است، مانند پیکری واحد که هرگاه عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضای آن نیز دردمند می‌گردد.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۸۷.

۲. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۳، ص ۲۸۰.

۳. ر.ک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۳۳۱.

۴. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۶۸.

آن حضرت در اشاره به این مطلب سبب آن را به این می‌داند که جان و روح اهل ایمان از روح خدایی که روحی واحد است، سرچشمه می‌گیرد و می‌فرماید:

أرواحهما من روح واحدی و أنّ روح المؤمن لأشدّ اتصالاً بروح الله من اتصال شعاع الشمس بها؛^۱ جان و روح دو برادر ایمانی، از روحی واحد سرچشمه می‌گیرد؛ همانا پیوند روح مؤمن با روح خداوند، از ارتباط پرتو خورشید با آن بیشتر است.

جایگاه و اهمیت برادری و اخوت ایمانی

اصل برادری که تجلی جامعه‌ای نمونه و آرمانی است، از جایگاهی خاص و اهمیتی ویژه برخوردار است. در این مجال، به بخشی از اهمیت و جایگاه آن اشاره می‌کنیم:

۱. بدین سبب که انسان موجودی اجتماعی است و در بقا و حیات اجتماعی خویش، ناگزیر از تعامل دوسویه با دیگر افراد جامعه است، به برنامه و دستورات خاص اجتماعی نیاز دارد تا بر پایه آن، بتواند رابطه خود را با دیگران سامان دهد و به زندگی دلخواهش دست یابد. طرح اندیشه اخوت ایمانی از سوی مکتب اسلام، پاسخی به این نیاز انسان است.

۲. این واقعیت تلخ مسلم است که از دیرباز، دشمنان اسلام، با اسلام و مسلمانان سر ستیز داشته و دارند؛ دشمنی یهود از صدر اسلام تا کنون، جنگهای صلیبی، اشغال فلسطین و تهاجم قدرتهای بزرگ به کشورهای اسلامی، دلیلی روشن بر این ادعاست. اخوت و برادری در جامعه دینی، نوعی فراخوان عمومی از مسلمانان و دین باوران به گرد آمدن در زیر لوای توحید است، تا با همدلی و یکرنگی در برابر دشمن بایستند و تهدیدهای دشمن را دفع کنند؛ چراکه تنها در سایه اخوت ایمانی، می‌توان به وحدت دست یافت و مانند مشت فشرده شده، بر سر دشمن فرود آید.

۳. از آن رو که کارها و اقدامهای بزرگ جز با وحدت و همدلی شدنی نیست، مکتب اسلام میان افراد جامعه دینی، پیوند برادری برقرار ساخته است تا با تفاهم و تعاون، تفاخر و تنازع را از جامعه ریشه کن سازند و با دور کردن کینه‌ها و بددلیها،

پیوند برادری را تحکیم بخشند. اقدام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، گواهی بر این حقیقت است، آن سان که در آستانه بنیان نهادن نظام اسلامی و تشکیل حکومت دینی، در صدد ایجاد پیمان برادری و اخوت میان مسلمانان برآمد و با این کار، به خواسته خویش، برطرف کردن کدورتها و اختلافات، جامعه عمل پوشانید و فرمود:

تأخو فی الله أخوین أخوین؛^۱ دو به دو در راه خدا برادر شوید.

آن حضرت به خوبی می دانست که با وجود اختلافات عمیق میان برخی از گروههای انصار و نیز وجود کدورت‌هایی میان انصار و مهاجران، پی‌ریزی حکومتی واحد و مقاوم، ناممکن است؛ از این رو، با ایجاد پیمان برادری میان تازه‌مسلمانان، با خاموش کردن آتش کینه‌ها و اختلافات، خاکستر دیرینه آنها را به گلستانی دل‌انگیز تبدیل کرد و بدین سان، دولتی پایدار و حکومتی مقاوم را بنیان نهاد.

۴. انسان، موجودی اجتماعی و برخوردار از روابطی فراوان است. رابطه پدر-فرزندی، قومی و قبیله‌ای، شهروندی و ملی، از جمله این روابط است. قرآن کریم هر چند به گونه‌هایی از این روابط یاد کرده و بسیاری از آنها را به رسمیت شناخته است، رابطه ایمانی را سرآمد همه آنها دانسته است، آن سان که می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»^۲. این آیه، گویای آن است که مؤمنان، پیش از آنکه در زندگی اجتماعی خود از روابط پیش گفته برخوردار باشند، از رابطه‌ای ویژه و فراگیر، به نام «اخوت ایمانی» برخوردارند که بر پایه ایمان، استوار و بر دیگر روابط، مقدم است.

۵. اخوت ایمانی مانند رابطه قبیله‌ای و شهروندی، دوستی و رفاقت نیست که از رابطه‌ای ساده و اعتباری بشری برخوردار باشد، بلکه از رابطه‌ای عمیق و اعتباری معنوی برخوردار است؛ زیرا برادری ایمانی، ثمره خجسته نور و رحمت است؛ چنان که امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

المؤمن أخ المؤمن لأبيه و أمه، أبوه النور و أمه الرحمی؛^۳ مؤمنان هم از سوی پدر و

۱. ر.ک: ابن هشام حمیری، سیری النبی، ج ۲، ص ۳۰۱؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۸، ص ۱۳۲.
۲. حجرات/ ۱۰.
۳. محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، المسائل العکبریة، ص ۹۴؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۴، ص ۷۴.

هم از سوی مادر برادرند، پدرشان، نور و مادرشان، رحمت است.

نیک روشن است تا آن گاه که آن پدر، پدری کند و در کانون خانواده بزرگ اسلامی، نور افشاند و تا آن هنگام که آن مادر، مادری کند و بی‌دریغ، رحمت خویش را در فضای زندگی این خانواده بگستراند، پیوند برادری نه در دنیا و نه در آخرت گسسته نمی‌شود، در حالی که هر پیوند دیگری حتی پیوند و برادری نسبی در دو جهان، در معرض نابودی و از هم گسیختگی قرار دارد. گسستگی دنیوی این پیوندها را می‌توان در داستان تلخ فرزندان آدم و یعقوب دید که بی‌رحمانه، یکی به دست برادرش کشته می‌شود و دیگری با توطئه برادرانش به چاه می‌افتد!

از نگاه قرآن، هر پیوندی در قیامت، گسیخته خواهد شد و در آن روز، هر کس از برادر، مادر، پدر، دوست و فرزندان می‌گریزد، حتی هر گرفتاری حاضر است برای رهایی خویش، دیگران را پیش‌مرگ خود سازد: «یوَدَّ الْمَجْرَمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمئذٍ بِنَهْيِهِ* و صاحبته و أخیه* و فصیلته التي تؤویه* و من فی الأرض جمعاً ثم ینجیه»^۱؛ گناهکار آرزو می‌کند که می‌توانست از عذاب آن روز، پسران خود را عوض دهد، و [نیز] همسرش و برادرش را و قبیله‌اش را که به او پناه می‌دهد و هر که را که در روی زمین است، همه [عوض می‌داد] و آنگاه خود را رها می‌کرد.

از میان انواع پیوندها، تنها پیوند ایمانی، گسستی نیست؛ چرا که پیوند برادری و اخوت، استوارترین پیوندها نیست: «إخوی الدین أثبت من إخوی النسب»^۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می‌فرماید:

کل سب و نسب ینقطع یوم القیامی إلا سبیبی و نسبی؛^۳ در رستاخیز هر پیوند خویشی و تباری گسسته می‌شود، جز پیوند من.

بی‌تردید، منظور از «نسب» در سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دین و تقواست، نه نسبت آب و گل؛ چرا که اگر منظور آب و گل می‌بود، ابولهب و ابوجهل نیز در آن نصیبی می‌بود.^۴

۱. معارج/ ۱۱-۱۴.
۲. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۳۲۲.
۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۲۴۸.
۴. ر.ک: رشیدالدین میدی، کشف الاسرار و علای الابرار، ج ۹، ص ۲۶۸.

۶. یکی از نیازها و خواسته‌های انسان، اَمْنِیت و احساس آرامش است. اصل برادری و اخوت ایمانی از راهکارهایی است که این نیاز را برآورده می‌سازد؛ زیرا با پیوند برادری، دلها به یکدیگر انس می‌گیرد و آرامش می‌یابد. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

لکلّ شیء شیءٌ یستریحُ إلیه و إنّ المؤمن یستریحُ إلی أخیه المؤمن؛^۱ برای هر چیزی وسیله‌ای است که بدان آسایش می‌یابد و مؤمن با برادر ایمانی‌اش آرامش می‌یابد.

عوامل تحکیم برادری و اخوت

پیوند برادری در جامعه ایمانی، طرحی اسلامی و دینی است، لکن اگر در جهت تحکیم این پیوند و استواری آن، اقدامی جدی انجام نگیرد، سریعاً به سستی می‌گراید و هر کس به سویی می‌رود و بدون اندیشیدن به جامعه و فارغ از هرگونه دغدغه‌ای نسبت به هم‌نوعان خود، به زندگی فردی دل می‌بندد؛ از این رو، مکتب اسلام که بنیان برادری اخوت ایمانی را پی نهاده است، برای پیشگیری از این آفت، شیوه‌هایی کارآمد پیش‌بینی کرده است و از همگان خواسته است تا برای تحکیم این پیوند، از هیچ کوششی دریغ نورزند.

۱. ایمان

پیش از این گذشت که ایمان یکی از مؤلفه‌های اخوت و برادری است. بدیهی است به هر اندازه که این مؤلفه تقویت گردد، به همان اندازه، اخوت نیز استوارتر خواهد شد؛ چنان که اگر ایمان ضعیف شود، پیوند برادری نیز رو به سستی می‌نهد. سخن امام علی علیه السلام دلیلی روشن بر این ادعاست که فرمود:

از آن رو که سبب دوستی برادران ایمانی پایدار است، دوستی آنان نیز پایدار است و از آن‌جا که سبب دوستی برادران دنیایی، سست و ناپایدار است، دوستی آنان نیز سست و ناپایدار است.^۲

۱. محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، *الاختصاص*، ص ۳۰.
۲. محمد خوانساری، *شرح غرر الحکم و درر الکلم*، ج ۲، ص ۵۰.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره که هر کس، پیوندش با دین محکم باشد، پیوندش با برادران ایمانی و دینی‌اش نیز محکم‌تر است، می‌فرماید:

من عظم دینه عظم إخوانه و من استخفّ بدینه استخفّ إخوانه؛^۱ هر کس دینش را بزرگ شمرد، برادران ایمانی‌اش را نیز بزرگ می‌شمرد و هر که دینش را سبک انگارد، برادرانش را نیز سبک می‌انگارد.

۲. ادب معاشرت

همان‌گونه که یادآور شدیم، دوستی و محبت از مؤلفه‌های اخوت و برادری است. روشن است که هر چیزی که به تحکیم محبت کمک کند، در حقیقت به استواری برادری کمک کرده است. رعایت ادب معاشرت از اموری است که سبب تحکیم محبت می‌شود؛ زیرا ادب معاشرت، شیوه‌ای کارآمد است که هم به لحاظ کیفی، پیوند برادری را استوار می‌سازد^۲ و هم به لحاظ کمی، در فزونی برادران ایمانی تأثیر می‌گذارد.^۳

اسلام برای تحکیم پیوند اخوت و برادری در جامعه ایمانی به هر آنچه همگرایی اجتماعی را حلاوت و حرارت می‌بخشد و مودت و محبت را افزایش دهد، سفارش کرده است؛ از قبیل: خوشرویی،^۴ خوش‌گمانی،^۵ حرمت‌گذاری،^۶ دگردوستی،^۷ حفظ حقوق،^۸ سلام کردن،^۹ دست دادن^{۱۰} و....

۱. محمد بن حسن طوسی، *الامالی*، ج ۱، ص ۹۶.
۲. «بحسن العشری تدوم الوصلی؛ با معاشرت نیکو پیوندها دوام می‌یابد» (محمد خوانساری، *شرح غرر الحکم و درر الکلم*، ج ۳، ص ۲۲۰).
۳. «من حسنت عشرته کثر إخوانه؛ هر کس از معاشرت نیکو برخوردار باشد، برادران او رو به فزونی می‌نهد» (علی بن محمد لیثی واسطی، *عیون الحکم و المواعظ*، ص ۴۴۸).
۴. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۰۳؛ محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۸، ص ۴۳۴.
۵. علی بن محمد لیثی واسطی، *عیون الحکم و المواعظ*، ص ۴۳۵.
۶. محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۸، ص ۴۰۶.
۷. قطب‌الدین راوندی، *النوادر*، ج ۱، ص ۱۱۱.
۸. سید رضی، *نهج البلاغه*، ترجمه و شرح فیض الاسلام، ص ۹۳۳، نامه ۳۱.
۹. حسین نوری، *مستدرک الوسائل*، ج ۸، ص ۳۶۲.
۱۰. محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۸، ص ۵۵۴.

۳. صلح و آشتی

صلح و آشتی از راهکارهایی عملی است که در بهبود روابط اجتماعی نقش بسزایی دارد؛ چراکه کدورتها را می‌زداید، دشمنیها را دور می‌کند و در عوض، دوستی و محبت را به ارمغان می‌آورد.

صلح و آشتی امری بایسته است که هم ضرورت چاره‌اندیشی دربارهٔ اختلافات و آشتی دادن دیگران و هم آشتی کردن پس از قهر را در بر می‌گیرد.

الف) چاره‌اندیشی دربارهٔ اختلافات

از آن رو که اختلاف و جدایی، امری زیانبار و فتنه‌زاست و زمینهٔ هلاکت و نابودی هر قوم و ملتی را فراهم می‌سازد، شریعت اسلام همگان را بر آن داشته است تا در اصلاح و چاره‌اندیشی دربارهٔ اختلافات بکوشند و با به‌کارگیری راههای درست، دلهای سرد شده را گرمی بخشند و آنها را پیوندی دوباره دهند؛ چنان که قرآن در بیان این ضرورت فرموده است:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ﴾^۱ در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان سازش دهید.

امام صادق علیه السلام در تشویق به سازش میان برادران ایمانی می‌فرماید:

صدقی یحبها الله، إصلاح بین الناس إذا تفاسدوا و تقارب بینهم إذا تباعدوا؛^۲ صدقه‌ای که خداوند آن را دوست دارد، صلح و آشتی میان مردم پس از آنکه رابطه‌شان به تیرگی درآمده است و نزدیک ساختن آنان به یکدیگر است، آنگاه که از هم دور شده باشند.

ب) آشتی پس از قهر

قهر و جدایی در فرهنگ اسلامی، امری زشت و منفور است؛^۳ از این رو، در آموزه‌های اسلامی، در نکوهش قهرکنندگانی که آشتی نمی‌کنند، آنان را دور از

۱. حجرات/ ۱۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۲۰۹.

۳. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۷، ص ۲۱۰.

ایمان،^۱ محروم از بهشت^۲ و حتی سزاوار لعنت و نفرین دانسته شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

لا یفترق رجلان علی الهجران إلا استوجب أحدهما البراءة و اللعنی و ربما استحقّ ذلک کلاهما؛^۳ دو نفر از هم قهر نمی‌کنند و از هم دور نمی‌شوند مگر آنکه یکی از آنها شایستهٔ طرد و نفرین می‌گردد و چه‌بسا هر دو، مستحقّ آن دو خواهند بود.

۴. دیدار و ملاقات

ملاقات و دیدار برادران ایمانی از همدیگر از دیگر راهها و شیوه‌های تحکیم پیوند برادری و اخوت در جامعهٔ دینی است. دیدار با برادران ایمانی فرصتی مغتنم^۴ برای افشاندن بذر دوستی و محبت در دلهاست که نتایج از قبیل مهربان شدن دلها به همدیگر و ایجاد ارتباط دوستانه بین افراد را در پی دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

الزیاری تنب المودی؛^۵ دیدار از همدیگر، دوستی و مودت را می‌رویانند.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرماید:

تراوروا فإن فی زیارتکم إحياءاً لقلوبکم و ذکراً لأحاديثنا و أحاديثنا تعطف بعضکم علی بعض؛^۶ همدیگر را دیدار کنید که دیدار و ملاقات، دلهايتان را زنده می‌کند و احادیث ما را به یاد شما می‌آورد و احادیث ما شما را با همدیگر نرم و مهربان می‌سازد.

یادآوری می‌شود که برای ملاقات و دیدار با برادران ایمانی، راههای گوناگونی وجود دارد. مکتب اسلام که برای بهبود روابط اجتماعی انسانها کوشش وافر دارد، با نشان دادن این راهها و به‌کارگیری آنها از همگان خواسته است در دیدار و ملاقات برادران ایمانی خود کوتاهی نکنند؛ صلهٔ رحم،^۷

۱. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲. منذری، *الترغیب و الترہیب*، ج ۳، ص ۴۴۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۳۴۴.

۴. همان، ص ۱۷۹.

۵. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۴، ص ۳۵۵.

۶. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۸۶.

۷. همان، ص ۱۵۰-۱۵۷.



دیدار دوستانه،^۱ عیادت بیماران،^۲ بدرقه مسافر^۳ و مهمان،^۴ استقبال از برادران تازه‌وارد^۵ و... از جمله این راههاست.

۵. حضور در اجتماعات سالم

از عوامل مؤثر در ایجاد اخوت دینی که نباید از آن غفلت شود، حضور در اجتماعات و گردهماییهای سالم است. این گردهماییها که در مکانهای خاص و زمانهای مناسب تشکیل می‌شود، آثار سازنده و فراوانی از جمله همدلی، همنوایی، شناخت دوستان تازه، دیدار دوستان قدیم و تحکیم پیوند برادری را در پی دارد. بسیاری از احکام عملی اسلام در راستای تحقق چنین گردهماییهایی است. نمونه بارز این احکام را می‌توان در ایام حج، نماز جمعه و جماعت مشاهده کرد؛ از این رو، لازم است برای تحکیم روابط اجتماعی و استواری پیوندی برادری و اخوت، در این گونه اجتماعات و گردهماییهای سیاسی، دینی و اجتماعی که تجلی وحدت و یکپارچگی جامعه اسلامی است، شرکت کرد و در آن، حضور جدی داشت.

۶. نادیده‌انگاری

هرچند غفلت امری ناپسند و زینبار است، تغافل و نادیده‌انگاری نسبت به برادران ایمانی، امری پسندیده و سودمند است؛ زیرا تغافل که به معنای عدم واکنش شتابزده در برابر رفتار نادرست دیگران است، اگر در تعامل با برادران ایمانی، جایگزین واکنش عجولانه شود، عاملی مؤثر در بهبود روابط به شمار می‌آید. امام علی علیه السلام در ضرورت به کارگیری تغافل و نادیده‌انگاری در زندگی اجتماعی می‌فرماید:

من جانب الإخوان علی کلّ ذنب قلّ أصدقائه؛^۶ هر کس به سبب هر گناهی، از

برادران ایمانی‌اش فاصله بگیرد، دوستانش کم می‌شوند.

در پایان یادآوری می‌کنیم که راههای عملی برای حسن همزیستی و استواری پیوند برادری و اخوت بسیار است؛ دعای خیر در حق دیگران،^۱ برآوردن نیازمندهای برادران ایمانی،^۲ شاد کردن همدیگر،^۳ مشورت و رایزنی،^۴ گشاده‌دستی و سخاوت،^۵ نامه‌نگاری به همدیگر^۶ و... از جمله این راههاست که در استوارسازی روابط اجتماعی و تحکیم پیوند برادری و اخوت، نقش بنیادی و اساسی دارد.

آسیب‌شناسی اخوت و برادری ایمانی

اگرچه پیوند برادری در خانواده بزرگ اسلامی که بر پایه ایمان استوار است، پیوندی عمیق و پایدار است، آن نیز مانند هر پدیده دیگری، آفتهای خاص خود را دارد که اگر شناسایی نشود و در دفع آن، اقدامی جدی و به‌هنگام انجام نگیرد، پیوند برادری با خطر جدی روبه‌رو می‌شود. حال، برخی از این آسیبها و آفتها را بیان می‌کنیم:

۱. انحراف عقیده

همان‌گونه که ایمان از ارکان اخوت و برادری دینی به شمار می‌رود، بی‌ایمانی و انحراف عقیده نیز سببی مؤثر در سست شدن این پیوند است؛ زیرا بی‌ایمانی، ظلمت و عامل تیرگی و خموشی است.

امام علی علیه السلام پیوندهای فاقد ایمان را از سطحی‌ترین پیوندها معرفی کرده‌اند که با اندک بهانه‌ای از هم می‌پاشد:

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۵۹.
۲. همان، ج ۱۱، ص ۵۷۶-۵۸۵.
۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۸۸-۱۹۲.
۴. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۰۹-۴۲۴.
۵. همان، ج ۱۱، ص ۵۹۰.
۶. همان، ج ۸، ص ۴۹۲-۴۹۷.



۱. همان، ص ۱۷۷-۱۷۹.
۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۵، ص ۲۱۴-۲۲۹.
۳. محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۹۲.
۴. همان، ص ۵۶۰.
۵. همان، ص ۵۵۹.
۶. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۷۸؛ محمد خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۵، ص ۲۴۱.

مودی أبناء الدنيا تزول لأدنی عارض؛^۱ دوستی [عاری از ایمان] دنیازدگان با کوچک‌ترین علتی از میان می‌رود.

آن حضرت در تفسیر آیه «الأخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدوٌ إلا المتقین»^۲، این‌گونه پیوندها را نوعی دشمنی معرفی کرده و فرموده‌اند:
الناس إخوان فمن كانت إخوته فی غیر ذات الله فهی عداوی؛^۳ مردم برادرند، پس هر که برادریش به محوریت خدا نباشد، آن، عداوت و دشمنی است.

۲. ناآگاهی

نادانی و ناآگاهی از آسیب‌هایی است که به تیرگی روابط انسانها منجر می‌شود و گاه به بروز دشمنیها و انکار حق می‌انجامد. خداوند در اشاره به سبب انکار قرآن از سوی کافران، آن را ناآگاهی آنان از قرآن و محتوای آن می‌داند:
«کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه و لما یأتهم تأویله»؛^۴ چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره که بسیاری از تنشها و دشمنیها از ناآگاهی انسان سرچشمه می‌گیرد، می‌فرماید:

صفتی الجاهل أن یظلم من خالطه و یتعدی من هو دونه و یتناول علی من هو فوقه؛^۵ ویژگی نادان آن است که با هر کس که می‌آمیزد، ستم می‌کند؛ به زیردستان، تجاوز و نسبت به بالادستان، طغیان و سرکشی می‌کند.

امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند:

من أخلاق الجاهل المعارضی قبل أن یفهم و الحکم بما لایعلم؛^۶ از خوی نادان است که پیش از آنکه بفهمد، مخالفت می‌کند و به آنچه نمی‌داند، داوری می‌کند.

۳. خودبینی

روحیه زشت خودبینی که نوعی نادانی و سفاقت است،^۱ از عوامل آسیب‌رسان به روابط اجتماعی و پیوند برادری است؛ زیرا بنا به گفته امام صادق علیه السلام، کسی که در مقام ارزیابی نادرست، خود را از دیگران برتر بداند، آنان را خوار و حقشان را سبک می‌شمارد.^۲ روشن است که چنین افرادی، توقع تکریم یک‌سویه دارند و چون دیگران، خواسته‌های نابه‌جای آنان را نمی‌توانند یا نمی‌خواهند برآورده سازند، مورد کینه آنان واقع می‌شوند که این، خود، آسیبی بزرگ برای روابط اجتماعی است. امام علی علیه السلام در این باره فرموده‌اند:

من لم یرض من صدیقه إلا یبئاره علی نفسه دام سخطه؛^۳ آن که از دوستش جز با تقدیم خویش بر او خرسند نمی‌گردد، خشم و ناراحتی‌اش همیشگی است.

۴. قهر و جدایی

به لحاظ وجود تفاوتها در فهم و اندیشه بشر و نیز ناهمسانی در خصصتهای درونی و علقه‌های بیرونی، بروز اختلاف و چالش در زندگی اجتماعی، امری طبیعی و گریزناپذیر است؛ از این رو، نباید در برابر هر نوع اختلافی، موضع‌گیری کرد و واکنش نشان داد و یا هر مخالفی را به خودخواهی متهم کرد و برای همیشه با برادر ایمانی خود قهر کرد، بلکه لازم است تیرگیها را شفاف ساخت، چالشها را برطرف کرد و دل‌های از یکدیگر سرد شده را گرمایی دیگر بخشید. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در این باره فرموده‌اند:
لاتقاطعوا و لاتدابروا و لاتباغضوا و لاتحاسدوا و کونوا عباد الله إخواناً؛^۴ پیوندها را قطع نکنید، از هم رو برمتابید، کینه هم را به دل مگیرید و به همدیگر حسادت مورزید و بندگان خدا را برادر باشید.

ضرورت پرهیز از هرگونه قهر و جدایی با برادر ایمانی، در سیره امام علی علیه السلام به خوبی نمایان است. آن حضرت به ابوموسی اشعری که زمینه خانه‌نشینی ایشان را

۲۰۶

۲۰۵

مجله تخصصی الهیات و حقوق / پاییز ۱۳۸۴ / شماره ۱۷

انوار ایمانی در آموزه‌های اسلامی / پژوهشها

۱. محمد خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۱۳۶.
۲. زخرف / ۶۷.
۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۵.
۴. یونس / ۳۹.
۵. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۸.
۶. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۷۸.

۱. محمد خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۱۴۹.
۲. ر. ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۱۰.
۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۸۰.
۴. مندری، الترغیب و الترہیب، ج ۳، ص ۴۴۷.

فراهم آورد، فرمودند:

با آن که از تو ناراحتم، این ناراحتی باعث نمی‌شود که با تو قهر کنم و برای تو سخنی از سخنان رسول خدا ﷺ نگویم. از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود: «هرگاه کسی به عیادت برادر ایمانی خود برود، گام در رحمت الهی نهاده است و آنگاه که نزد بیمار بنشیند، رحمت الهی او را فرامی‌گیرد.»^۱

۵. گوشه‌گیری و اجتماع‌گریزی

هر کسی دو نوع شخصیت دارد؛ شخصیت فردی و شخصیت اجتماعی. رابطه انسان با خود و خدا شخصیت فردی او را شکل می‌دهد و رابطه‌اش با دیگران، عامل شکل‌گیری شخصیت اجتماعی اوست. به خوبی روشن است که شخصیت اجتماعی انسان، تنها زمانی شکل گرفته، کامل می‌شود که در معرض برخورد و تعامل با دیگر اشخاص باشد. بدین سبب، بسیاری از دستورات اسلام به اجتماع و چگونگی برخورد با دیگران مربوط است و حتی درباره برخی عبادات مانند نماز که امری فردی است، به انجام دادن گروهی آن دستور داده شده است.

پیامبر اکرم ﷺ در تأکید بر ضرورت اجتماعی زیستن و پرهیز از گوشه‌گیری، گاه الفت و مردم‌گرایی را از ویژگی‌های اهل ایمان دانسته‌اند: المؤمن ألف مألوف؛^۲ مؤمن دوست‌گرا و پیوندپذیر است.

و گاهی گوشه‌گیران جامعه‌گریز را نفرین کرده است:

إن النبی لعن ثلاثی؛ الأکل زاده وحدی و الراكب فی الفلای وحدی و النائم فی البیت وحدی؛^۳ پیامبر اکرم ﷺ سه کس را نفرین کرده است؛ آن کس که غذایش را تنها می‌خورد، کسی که در بیابان تنها به مسافرت می‌رود و آن که در خانه‌ای، تنها می‌خوابد.

۶. خیانت و فریب

خیانت و فریب در بین اهل ایمان و در پیمان برادری جایی ندارد؛ زیرا پیوند برادری

جلوه‌ای از عهد و پیمان الهی است و خیانت و فریب، خوبی شیطانی. اگر این خود که از برجسته‌ترین خصلت‌های شیطانی است، در روابط برادران ایمانی راه یابد، پیوند برادری رو به سستی می‌نهد و به مرز از هم گسستگی می‌رسد. امام صادق علیه السلام در ضرورت عاری بودن پیمان برادری از هرگونه فریب و نیرنگ می‌فرماید:

المؤمن أخو المؤمن، عینه و دلیله، لایخونه و لایظلمه و لایفشه و لایعده عدی فیخلفه؛^۱ مؤمن برادر مؤمن است، مراقب و راهنمای اوست. نه به او خیانت می‌کند و نه بر او ستم روا می‌دارد، نه او را فریب می‌دهد و نه به او وعده‌ای می‌دهد که به آن وفا نکند.

۷. ناسزاگویی

اسلام آیین مهر و رحمت است و هرگونه ناسزاگویی حتی به دشمنان را امری زشت شمرده است؛ چراکه این مکتب آیین پیامبری است که در پاسخ این پیشنهاد که مشرکان را نفرین کن، فرمودند:

إنی لم أبعث لعناً و إنما بعثت رحمی؛^۲ مبعوث نشدم که نفرین کنم، بلکه برای مهر و رحمت برانگیخته شدم.

اگر ناسزاگویی به دشمن، امری زشت است، به برادران ایمانی زشت‌تر است؛ چه اینکه ناسزاگویی پیوند برادری را با خطر جدی مواجه می‌سازد و جز کینه و دشمنی را به همراه نمی‌آورد؛ چنان که امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

لا تسبوا الناس فتکسبوا العدوای بینهم؛^۳ مردم را ناسزا نگوئید که دشمنی میان خویش را به ارمغان می‌آورد.

حقوق و وظایف اخوت و برادری

برادری در نظام ارزشی و حقوقی اسلام نه ارتباط ظاهری و پیوند صوری صرف است و نه امری عاطفی و درونی محض، بلکه رابطه‌ای مسئولیت‌آفرین است که جلوه‌های عملی آن، در سطوح مختلف زندگی اجتماعی، امری انکارناپذیر است؛

۱. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶۷.

۲. عبدالرحمن سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۴۰۲؛ عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۱۱، ص ۹۱.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۶۰؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۶۳.

از این رو، آن‌سان که در نظام اجتماعی اسلام از برادری اهل ایمان سخنی به میان می‌آید، بی‌درنگ بخشی از حقوق برادری نیز مطرح می‌گردد؛ چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

المؤمن أخو المؤمن،^۱ عینه و دلیله، لایخونه و لایظلمه و لایفشه و لایعده عدی فیخلفه.^۲

هرچند وظیفه‌مندی و رعایت حقوق برادران ایمانی از نوعی رابطه انسانی و ضرورت زندگی اجتماعی حکایت دارد، بدین سبب که این رابطه، چون با محوریت حق در میان مؤمنان انجام می‌گیرد، صورتی زیبا و پاداشی بزرگ می‌یابد؛ چنان که امام صادق علیه السلام، رعایت حقوق برادری را نه تنها عبادت می‌داند، بلکه آن را برترین عبادت نیز شناسانده است:

ما عبد الله بشيء أفضل من أداء حق المؤمن؛^۳ خداوند به عبادتی برتر از ادای حق مؤمن، پرستش نشده است.

راز این واقعیت آن است که مؤمنان در پیشگاه خداوند از جایگاه و منزلتی برتر برخوردارند، تا آن‌جا که حرمت مؤمن برتر از حرمت کعبه معرفی شده است:

المؤمن أعظم حرمی من الکعبی.^۴

در اهمیت حقوق برادران ایمانی همین بس که رعایت حقوق آنان، معیار دینداری و ضایع ساختن آن، نشانه ضعف ایمان معرفی شده است. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

من عظم دینه عظم إخوانه و من استخف بدینه استخف یاخوانه.^۵

پس از بیان اهمیت رعایت حقوق برادری و اخوت ایمانی، مواردی از حقوق

۱. در احادیث، تعبیر «المسلم أخو المسلم...» نیز آمده است (ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۶۷؛ محمد بن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۸، ص ۵۴۲؛ محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۴، ص ۲۲۱).

۲. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۶۶.

۳. فیض کاشانی، *التحقی السنیّه*، نسخه خطی، ص ۲۲۸؛ محمدباقر محمودی، *نهج السعادی فی مستدرک نهج البلاغه*، ج ۱، ص ۱۳۴.

۴. محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۶۸، ص ۶۷؛ ج ۶۷، ص ۷۱.

۵. همان، ج ۷۴، ص ۳۰۲.

متقابل را برمی‌رسیم.

۱. مواسات

همان‌گونه که گذشت، اخوت ایمانی تنها امری درونی و پیوندی عاطفی نیست، بلکه ارتباطی عملی است که در فضای زندگی اجتماعی و معنوی اهل ایمان جلوه‌ای خاص دارد. مواسات یکی از این رابطه‌هاست.

مواسات که به معنای «برابری برادران ایمانی در مال» است، در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام بازتاب ویژه‌ای یافته است.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال از حق مؤمن بر مؤمن فرموده‌اند:

إن من حقّ المؤمن علی المؤمن... المواسای له فی ماله؛^۱ از جمله حق مؤمن بر مؤمن... برابری در مال است.

امام باقر علیه السلام به یکی از اطرافیان خود، در این باره فرمودند:

اگر در میان شما یکی از برادران ایمانی بی‌لباس باشد، آیا کسی از شما لباس اضافی خویش را به او خواهد پوشاند؟ وی پاسخ داد: خیر.
آن حضرت دست به پای خود زدند و فرمودند: ما هؤلاء یاخوی؛^۲ اینان برادر نیستند.

۲. حفظ کرامتها

رفتار و برخورد انسان در زندگی اجتماعی، یا بر اساس کرامت و تکریم انسانهاست و یا بر مبنای اهانت و تحقیر آنها. شیوه نخست، راه و رسم پیامبران است که انسان را موجودی شریف،^۳ خلیفه خدا^۴ و امانت‌دار الهی^۵ می‌داند، در حالی که شیوه دوم، بر مبنای فرعون‌گری است که انسان را موجودی پوچ و بی‌مقدار^۶ می‌شمارد.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۷۱.

۲. محمد بن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۸، ص ۴۱۴؛ محمدباقر مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۴، ص ۳۹۱.

۳. ر.ک: اسراء / ۷.

۴. ر.ک: بقره / ۳۰.

۵. ر.ک: احزاب / ۷۲.

۶. ر.ک: زخرف / ۵۴.

اگر بر اساس شیوه پیامبران با دیگران رفتار شود، آنان نیز بزرگوارانه رفتار خواهند کرد؛ زیرا آن که شریف است و به بزرگی یاد می‌شود، با رفتارهای ناشایست، شرافت و بزرگی خویش را در هم نمی‌شکند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

من کرمت علیه نفسه لم یحضها بالمعصی؛^۱ هر کس از کرامت نفس برخوردار باشد، با انجام دادن گناه، آن را پست و بی‌ارزش نمی‌کند.

و اما اگر بر اساس مرام فرعون‌گری رفتار شود، دیگران نیز رفتاری همسان و همانند خواهند داشت؛ زیرا از کسی که تحقیر شده و شخصیتش لگدمال گشته است، نمی‌توان توقعی غیر از این داشت. امام علی علیه السلام در این باره نیز می‌فرماید:

من هانت علیه نفسه فلا تأمن شره؛^۲ کسی که شخصیت او خوار گشته است، از شر او ایمن مباش.

اصل اخوت ایمانی که بر مبنای سیره پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم پی‌ریزی شده است، جلوه‌ای از اصل کرامت و شرافت است، تا آنجا که در آیین آن حضرت، تکریم برادران ایمانی با تکریم خداوند برابر شمرده شده است:

من أكرم أخاه المسلم فإنما يكرم الله عزّ وجلّ؛^۳ هر کس برادر مسلمان خویش را تکریم کند، گویا خداوند بزرگ را تکریم کرده است.

۳. ستیز با خطا نه خطا کار

هر چند انسان آفریده‌ای مبارک و بر اساس فطرت درونی خویش، حق جوست و در تعامل اجتماعیش، پایبند هنجارهاست، نباید از این واقعیت تلخ غفلت کرد که در معرض انواع خطاها و لغزشهاست؛ چراکه از دیرباز گفته‌اند:

الإنسان يساق السهو والنسيان؛^۴ انسان محل سهو و فراموشی است.

و به دلیل وجود احتمال خطا در انسان گفته‌اند:

لكلّ جواد كبوی و لكلّ عالم هفوی؛^۱ برای هر بخشایشگری، سقوطی است و برای هر دانشمندی، لغزشی.

از منظر قرآن، روش برخورد با لغزشها و خطاها برخورد با خطاکاران نیست، بلکه باید با تدابیری درست، آنان را به خطاهایشان آگاه ساخت، نه اینکه برادر ایمانی را از خود راند، بلکه باید عمل نادرست او را با زیباترین وجه دفع کرد: «و لا تستوی الحسنة و لا السيئة ادفع بالتي هي أحسن»؛^۲ چراکه دفع بدی با بدی، خود بدی دیگر است.

قرآن پس از سفارش به دفع بدی و خطا با نیکی، به جای ستیز با خطاکاران، با برهانی کردن این حکم، ثمره این دستور را تبدیل شدن دشمنان کینه‌توز به دوستانی گرم و صمیمی می‌داند و می‌فرماید: «فإذا الذی بینک و بینة عداوة كأثمة ولیّ حمیم».^۳ روشن است که اگر به جای دفع بدی و خطا، برادران خطاکار پس زده می‌شدند، دیگر کسی باقی نمی‌ماند که به دوستانی گرم و صمیمی تبدیل شوند.^۴

بنابراین، اگر بپذیریم که انسان جایز الخطاست و معصوم نیست، نباید با مشاهده یک خطا با او به گونه‌ای برخورد کرد که از جامعه دینی ببرد. امام علی علیه السلام در این باره درسی آموزنده داده، می‌فرماید:

المسلم مرآی أخیه فإذا رأیت من أخیکم هفوی فلا تكونوا علیه إلباً و أرشوده و أنصحوا له و ترققوا به و إياکم و الخلاف فإنه مروق؛^۵ مسلمانان برادر یکدیگرند، پس هر گاه از برادرتان لغزشی دیدید، همگان او را مکوبید، بلکه ارشادش کنید و به نیکی پندش دهید و با او نرمی کنید و مبادا اختلاف کنید که آن، سبب خروج از دین است.

۴. مسئولیت پذیری

جامعه ایمانی اساس آن، بر پیوند برادری است، همچون جوامعی نیست که برخی در

۱. حسین بن محمد حلوانی، نزهی الناظر و تنبیه الخاطر، ص ۴۴.
 ۲. «نیکی با بدی یکسان نیست، بدی را به آنچه بهتر است، دفع کن» (فصلت / ۳۴).
 ۳. «آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوست یکدل می‌گردد» (فصلت / ۳۴).
 ۴. عبدالله جوادی آملی، رسالت قرآن، ص ۴۰.
 ۵. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۱۰۸.

۱. حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۳۹.
 ۲. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ص ۴۸۳؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۰۰.
 ۳. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۶؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۸۹.
 ۴. محمدعلی کاظمی خراسانی، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۲۷۱.

پی عافیت و زندگی مرفهانه خویش باشند و برخی دیگر، به دلیل خیل مشکلات از حداقل زندگی وامانند، بلکه جامعه‌ای به هم تنیده است که مشکل هر فرد، مشکل همه است؛ از این رو، حقوق برادری ایجاب می‌کند، هر یک از افراد جامعه، نسبت به دیگران احساس مسئولیت کند و از سر باز زدن به آن بپرهیزد. امام صادق علیه السلام با بیان قاعده‌ای کلی در این باره فرموده‌اند:

من سمع رجلاً ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم؛^۱ هر کس فریاد مسلمانی را بشنود که از مسلمانان یاری می‌خواهد و او را بی‌پاسخ گذارد از مسلمانی به دور است.

دستوراتی که از ضرورت پذیرش مسئولیت در برابر دیگر برادران ایمانی حکایت دارد، بسیار است؛ امر به معروف و نهی از منکر،^۲ نصیحت کردن،^۳ اصلاح میان مردم،^۴ برآوردن نیاز دیگران^۵ و... نمونه‌هایی از این دستورات است.

۵. مردم‌دوستی

از وظایف بسیار مهم در نظام زندگی اجتماعی انسان، محبت و دگردوستی است؛ زیرا انسان که از تعامل با دیگران ناگزیر است، در صورتی قادر به این نوع زندگی است که جامعه از ارتباط توأم با دوستی و مهرورزی برخوردار باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مهرورزی را اساس خردورزی می‌داند و می‌فرماید:

رأس العقل بعد الإیمان بالله التوّد إلى الناس؛^۶ اساس خرد پس از ایمان به خدا، مردم‌دوستی است.

امام باقر علیه السلام نیز در بیان ضرورت این نوع ارتباط در میان برادران ایمانی می‌فرماید:

إن من حقّ المؤمن علی المؤمن المودّی له...؛^۷ از جمله حقوق مؤمن بر مؤمن،

۱. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۶۴؛ محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۴، ص ۳۳۹.

۲. ر.ک: آل عمران/ ۱۰۴.

۳. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۷۱ و ۳۶۳.

۴. ر.ک: حجرات/ ۹ و ۱۰.

۵. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۲۰۹ و ۳۶۶.

۶. محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۴۸؛ محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۶، ص ۲۹۵.

۷. عبد علی بن جمعه حویزی، *نور الثقلین*، ج ۳، ص ۱۴۹.

مهرورزی به اوست.

در نظام اجتماعی اسلام، حقوق و وظایف برادری بسیار است که شمارش و ذکر همه آنها در این جستار میسر نیست.^۱ با نقل یک حدیث که بخش فراوانی از وظایف برادری را در بر دارد، سخن را به پایان می‌بریم. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که فرمود: هر یک از مسلمانان بر دیگر برادر ایمانی‌اش، سی حق دارد که باید آنها را ادا کند و یا از آنان درگذرد. این حقوق عبارت است از:

۱. از خطای او درگذرد؛ ۲. بر او رحم کند؛ ۳. زشتیهای وی را ببوشاند؛ ۴. لغزشهای او را نادیده انگارد؛ ۵. پوزش او را بپذیرد؛ ۶. از غیبت او منع کند؛ ۷. پیوسته او را پند دهد؛ ۸. دوستی با او را تداوم بخشد؛ ۹. وعده او را وفا کند؛ ۱۰. او را در بیماری‌اش عیادت کند؛ ۱۱. در تشییع جنازه او حاضر شود؛ ۱۲. دعوت او را اجابت کند؛ ۱۳. هدیه او را بپذیرد؛ ۱۴. احسان او را به نیکی جبران کند؛ ۱۵. نعمت او را سپاس گوید؛ ۱۶. او را به خوبی یاری دهد؛ ۱۷. ناموس او را حفظ کند؛ ۱۸. نیازش را برآورده سازد؛ ۱۹. در برآوردن خواسته‌هایش، میانجیگری کند؛ ۲۰. پس از عطسه، دعایش کند؛ ۲۱. او را در یافتن گمشده‌اش یاری دهد؛ ۲۲. سلام او را جواب دهد؛ ۲۳. با او به نیکی سخن گوید؛ ۲۴. سوگندهایش را تصدیق کند؛ ۲۵. با دوستانش دوستی ورزد؛ ۲۶. از ستیز با او بپرهیزد؛ ۲۷. او را چه ستمکار باشد و چه ستم‌دیده، یاری کند. یاری کردن او در هنگام ستم این است که او را از ستم کردن بازدارد و یاری او آنگاه که مورد ستم واقع شود، آن است که حق او را از ستمکار بازستاند؛ ۲۸. او را به چنگ کسی گرفتار نسازد؛ ۲۹. او را خوار و تحقیر نگرداند؛ ۳۰. آنچه برای خود می‌پسندد، برای او نیز پسندد و هر آنچه برای خود نمی‌پسندد، برای او نیز پسندد.

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که پس از یادآوری حقوق یاد شده، فرمود: اگر یکی از شما چیزی از حقوق برادران ایمانی‌اش را وانهد، وی حق خویش را در قیامت خواهد خواست و به سود او حکم خواهد شد.^۲

۱. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۸۸-۲۱۰.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۸، ص ۵۵۰.